



۲۰۱۹/۰۷/۳۰



حشمت بهزاد

حمله به دفتر صالح

و

«همسایه ای که یک ساعت پیش از انفجار کوچ کرد»



دیروز پنج مهاجم به دفتر امرالله صالح حمله کردند. اما آنچه از چشم‌ها پنهان مانده، پرچم‌های خون‌آلود طالبان است که چند روز پیش از دفتر آقای صالح پیدا شده است. به ظن پنهان کردن این پرچم‌ها یکی از همسایه‌ها برای ساعتی برای بررسی به دفتر روند سبز فراخوانده می‌شود، اما به زودی رها می‌گردد. همسایه‌های دفتر روند سبز، آنانی که اعضای خانواده‌شان را در این حمله از دست داده‌اند، به چگونگی و چرایی آزادی این فرد مشکوک‌اند.

حلیمه، بانویی که در این رویداد مادر و برادرش را از دست داده است، با چشمان پُراشک می‌گوید، رفت و آمد آدم‌های مشکوک و برخورد غیرعادی این همسایه همه را به شمول امرالله صالح مشکوک ساخته بود که منجر به بازداشتش شد، «اما چگونگی و چرایی رهایی این فرد پس از چند ساعت بازجویی مشکوک به نظر می‌رسد.» به گفته او، همسایه مشکوک‌شان درست یک ساعت پیش از حمله مهاجمان از محل کوچیده است. پس از نخستین انفجار، مادر حلیمه از خانه بیرون می‌شود تا ببیند چه اتفاقی افتاده، اما مهاجمان او را به گلوله می‌بندند. با دیدن این تراژدی، برادرش به خاطر کمک به مادر از خانه بیرون می‌شود که هم زمان انفجار دوم رخ می‌دهد.

به گفته حلیمه، برادرش در نتیجه انفجار موتر مملو از مواد انفجاری زخم شدید برداشته بود که چندین ساعت تلاش برای نجاتش نتیجه نداد و سرانجام در شفاخانه ایمرجنسی جان داد.



پس از شنیدن دردها و روایت های این خانواده، سری زدم به خانه دیگری که خرد و بزرگ همه مصروف جمع آوری پارچه های شیشه و سروسامان دادن به خانه شان بودند. در چند قدمی این کوچه، کودک دیگری که ترس و وحشت به جامانده از رویداد دیروز به خوبی در سیمایش نمایان است، در گوشه بی نشسته و با انگشتان دستش بازی می کند. وی که خودش را منصور معرفی می کند، با دستانش به چند قدمی ما اشاره می کند و می گوید، موتر درست در همین جا چند مهاجم را که ملبس با پیراهن تنبان بودند، پیاده کرد. در نخستین لحظه ورودم به یکی از خانه های نزدیک محل رویداد دیروز، کودک 12 ساله ای را دیدم با دستان سیاه و روی سیاه تر. البته سیاهی دستان و صورتش بیانگر سهم گیری اش برای پاک کاری و دور ساختن پارچه های سوختگی ناشی از رویداد روز پیش است. همین که نزدیکش شدم با گلوی پر از بغض و لرزان می گوید، بایسکلیش، جام هایی که پس از پیروزی در مکتب و یک رقابت آزاد فوتبال به دست آورده بود و هم چنان کتاب هایش در این رویداد سوخته اند. با این حال باشندگان محل می گویند، رهبری دفتر روند سبز از چگونگی این حمله خبر داشت، اما با آن هم تدابیر لازم را روی دست نگرفت. مسئولان دفتر روند سبز که در ساحه حضور داشتند، در باره ادعاهای باشندگان محل چیزی نگفتند و تماس های ما هم با دیگر مسئولان این دفتر بی پاسخ ماند. در حمله مهاجمان بر دفتر روند سبز به رهبری امرالله صالح، معاون اول دسته انتخاباتی دولت ساز که چندین ساعت به درازا کشید، 20 تن به شمول 4 نظامی کشته و 50 تن دیگر زخمی شدند. تا کنون هیچ گروهی مسئولیت این حمله را به عهده نگرفته است.

اقتباس از سایت "سلام و پندار"



h_behzad_hamla_bar_saleh_wa.pdf